

Analysis of rich Kashmiri poems from the perspective of fantasy

Akeel Hussain Kalan ¹

Master's student of Persian Language and Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Supervisor: Salman rahimi²

Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Abstract

Mullah Muhammad Tahir Kashmiri known as Ghani Kashmiri is one of the greatest poets in Kashmir and a powerful poet of Persian literature in the 11th century. His poetry contains all the characteristics of Indian style. Theme creation is one of the prominent features of his poetry. In the current research, which was carried out using a descriptive-analytical method, Surkhayal in the Ghani Diwan of Kashmiri was investigated and analyzed. The purpose of writing this article is to try to become more familiar with the style of this poet and to examine the poetic images and innovations in his divan. The research findings are arranged in an introduction and three chapters. First, Kashmiri life, Indian style and his personal style are discussed, and in the second part, Surkhayal is defined from various points of view. The last part is the examination of imaginary images in his poems. Ghani has used sentence poems in his poems.

Keywords: symbol, imaginary images, Indian style, Ghani Kashmir

¹ Email: Shanakeel45@gmail.com

² Email: s.rahimi@mou.ir

تحلیل اشعار غنی کشمیری از منظر صور خیال

عقیل حسین کلان^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم،

ایران

استاد ناظر: سلمان رحیمی^۲

استاد همکار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

چکیده

ملا محمد طاهر کشمیری متخلص به غنی کشمیری از بزرگترین سخن سرایان در کشمیر و شاعر توانمند ادب فارسی در قرن یازدهم هجری است. شعر او تمام ویژگی‌های سبک هندی را در خود جای داده است. مضمون سازی از ویژگی‌های برجسته شعر وی است. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، صورخیال در دیوان غنی کشمیری، بررسی و تحلیل شده است. هدف از نگارش این مقاله تلاش در جهت آگاهی هرچه بیشتر با سبک این شاعر و بررسی صورخیال و بدایع شعری در دیوان وی است. یافته‌های پژوهش در یک مقدمه و سه فصل تنظیم شده است. نخست در مورد زندگی کشمیری، سبک هندی و سبک شخصی وی بحث شده و در بخش دوم به تعریف صورخیال از نظرهای گوناگون پرداخته شده است. بخش آخر بررسی صور خیال در سروده‌های اوست. غنی در اشعار خود از اشعار حکمی بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: نماد، صور خیال، سبک هندی، غنی کشمیری

1 Email:Shanakeel45@gmail.com

2 Email: s.rahimi@mou.ir

۱. مقدمه

ملا محمد طاهر کشمیری متخلص به غنی کشمیری، بزرگ‌ترین سخن‌سرای کشمیر و از گویندگان پارسی‌زبان سرزمین پنهانور هندوستان در قرن یازدهم هجری است. وی از شاعرانی است که به سبک هندی سخن رانده و با اینکه هم روزگار گویندگانی چون صائب تبریزی و کلیم کاشانی، دو تن از نام‌آوران این سبک بوده، خود در این شیوه، مقامی شایسته یافته است. تا بدانجا که صائب تبریزی در سفر به هند، به ستایش سخن او برخاسته و به نگارش بخشی از اشعار وی در سفینه خود، اهتمام جسته است.

غنی در حیات خویش، آوازه بلند یافته است. شعر او و نام او، در سرتاسر هندوستان و در نزد اهل ادب و سخن، اشتها کامل داشته است؛ چنان‌که خود نیز بدان اشارتی دارد:

چنان نام من روشناس است در هند که نقش نگین در میان سیاهی
غنی با غنای طبع، در سراسر حیات خویش، کنج درویشی را اختیار کرد و از صحبت حکام و تعینات زندگی، دوری گزید. سادگی، بی‌پیرایگی، قناعت طبع، ذوق و حالی که از کیفیت این وارستگی ملازم وجود وی بوده، در جای‌جای اشعارش مشهود است:

فراغتی به نیستان بوریا دارم مباد راه در این بیشه شیر قالی را
شعر غنی، شعری با همه خصوصیات سبک هندی است. تعبیرات، اصطلاحات و ترکیبات، نازک بندی‌ها و ارسال المثل‌های ویژه آن سبک و مضامین باریک، گاه آمیخته به تعقید و ابهام در بسیاری از اشعار او، متجلی است. با این‌همه، گاهی سخنی به لطافت و روانی نسیم و روشنی آب زلال می‌آورد:

بالش خوبان دگر از پر است شوخ مرا فتنه به زیر سر است

به غافل داده‌ایم دل به دستت مرا یاد و تو را خاطر فراموش
در حیرتم که آینه امروز، صبحدم روی که دیده است که روی تو دیده است

۱-۱. هدف از انجام پژوهش

در این مقاله چهار عنصر از عناصر زیبایی کلام در آثار شاعر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

استعاره: صورت تکامل یافته تشبیه که در آثار شاعر از لحاظ ذکر مستعار، له یا مستعار منه که به مکنیه تقسیم می‌شود.

تشبیه: این بخش زیباترین محورهای خیال شاعر است که در این مقاله، از نظر شکل و ساختار و سپس به لحاظ موضوع مشبه و مشبه‌به، بررسی شده است.

مجاز: بعد از بیان مجاز شاعران از زاویه نگاه خود دنیا را می‌بینند و به همین دلیل، کلماتی را در شعر خود به کار می‌برند که در معنای حقیقی خود نیست و منظور دیگری دارند. از آنچه در روزمره در بین مردم استعمال می‌شود. در نگاه نخست، ممکن است این امر برای خواننده عادی غریب به نظر برسد، اما شاعر علامت و قرینه‌ای به خواننده می‌دهد تا بتواند منظور و مقصود او از این کلمه را که در معنای حقیقی خود به کار نرفته کشف کند.

نماد: اصطلاح «نماد» مفهوم بسیار وسیعی دارد؛ آن چنان که می‌توان از آن برای توصیف هر شیوه بیانی که به جای اشاره مستقیم به موضوعی، آن را غیرمستقیم و به واسطه موضوعی دیگر بیان می‌کند،

استفاده کرد. نماد در قلمرو ادبیات و شعر از پیشینه‌ای طولانی و پرفراز و نشیب برخوردار است. «نماد» معادل واژه (Symbol) برگزیده شده است.

نگارندگان در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالات زیر هستند:

۱. صور خیال یعنی چیست؟
۲. صور خیال در اشعار غنی کشمیری چگونه بیان شد؟
۳. نقش صور خیال در القایی مفهومی که در ورا اشعار است چگونه بود؟

۲. بحث و بررسی

۱-۲. زندگی‌نامه

محمدطاهر غنی کشمیری در سالی نامعلوم در اقلیم کشمیر زاده شد. از شاگردان سرشناس شیخ محسن فانی کشمیری بود. او را شاعری «نغزگوی و نازک‌خیال» توصیف نموده‌اند که «از صفای طینت و علو همت بهره‌ای کافی داشته و اغلب اشعارش مبین این است که غنی از جهات معنوی نیز غنی بوده است». اشعار غنی کشمیری همچنین از نگاه معناپردازی نوگراست.

«شعر غنی، شعر است با همه خصوصیات سبک هندی، بیانات و اصطلاحات و ترکیبات و ارسال المثل‌های ویژه آن سبک و مضامین باریک گاه آمیخته به تعقید و ابهام در بسیاری از اشعار او آشکار است، با این همه گاهی سخنی به لطافت و روانی نسیم و روشنی آب زلال می‌آورد. (کرمی، ۱۳۶۲: ۳۲) از اشعار نغز وی می‌توان سروده‌های زیر را به یاد آورد:

سعی روزی برنمی‌دارد مرا از جای خویش آبرو چون شمع می‌ریزم، ولی در پای خویش

شعر دگران را همه دارند به خاطر شعری که غنی گفت کسی یاد ندارد

بر نداریم ز اشعار کسی مضمونی طبع نازک سخن کس نتواند برداشت

اقتادان و برخاستن باده پرستان در مذهب رندان خرابات، نماز است

بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابله‌ی است پای بوس سیل از پا افکنند دیوار را

در نمازم نیست مقصد غیر جست و جوی اد می روم افتان و خیزان تا بینم روی او
(نظمی تبریزی، ۱۹۷۶: ۲۷۵)

۲-۲. تعریف صور خیال

صور خیال؛ یعنی شکل های مختلف تخیل که شعر را با مفهومی خیالی و تصویری همراه می سازد زیرا عنصر معنوی شعر در همه زبان ها و در همه ادوار، همین خیال و شیوه تصرف ذهن شاعر در نشان دادن واقعیات مادی و معنوی است و زمینه اصلی شعر را صور گوناگون و بی کرانه این نوع تصرفات ذهنی تشکیل می دهد.

خیال یا تصویر، همان کوشش ذهنی شاعر است که برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت انجام می دهد و در این راستا عناصر صور خیال از جمله تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز با انواع مختلفی که دارند شعر را خیال انگیز کرده و به آن مفهوم واقعی می بخشند. می دانیم که خیال شاعرانه، محصور

در وزن و مفهوم شعر منظوم نیست. بسیاری از تصرفات ذهنی مردمان عادی یا نویسندگان در محور همین خیال‌های شاعرانه جریان دارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۵)

صور در لغت به معنی صورت‌هاست و خیال را معانی مختلف باشد از قبیل: ذهن، مخیله، در روانشناسی قدیم (علم النفس)، یکی از خواص باطن، قوه‌ای که در غیاب اشیا تصویر آنها را در ذهن حفظ می‌کند، سلسله‌ای از تصورات که بدون ارتباط منطقی در ذهن ظاهر می‌شود، تصورات بی پایه که ارزش علمی ندارد، نگرانی و ترس، دغدغه خاطر، گفتگو، گمان، حدس، صورت یا شکل کسی یا چیزی در ذهن، هنگامی که خود آن در جلو چشم نیست اندیشه انجام کاری، قصد و فکر. (عبدالحمید، ۱۹۴۹: ۱۰۴)

۲-۳. سبک هندی

سبک هندی نمونه‌ای از سرود شعر در ادبیات فارسی است که از قرن نهم هجری به بعد به وجود آمد. به علت استقبال دربار ادب پرور هند از شاعران پارسی گوی و هم به سبب عدم توجه پادشاهان صفوی به اشعار متداول مدحی، گروهی از گویندگان به هندوستان رفتند و در آنجا به کار شعر و شاعری پرداختند. به عقیده دکتر حمیدیان اگر مهاجرت و اقامت شعرا از نیمه دوم سده دهم به هند نمی‌بود سبک مشهور به هندی با همه ویژگی‌های آن چونان که در شعر عرفی‌ها و نظیری‌ها پدید است رخ نمی‌نمود. در سخن شعرای ساکن ایران نیز اگر از این رنگ، ته‌رنگی دیده می‌شود بی‌شک به تأثیر مهاجرین بزرگ در ایشان است. (حمیدیان، ۱۳۴۷: ۱۰۱)

۲-۴. غنی کشمیری در سبک هندی

غنی کشمیری در شمار بزرگترین شاعرانی ست که سروده‌هایش نماینده تام و تمام سبک هندی است. وی را برجسته ترین شاعر در زمینه حکمت و سنت اخلاق در کشمیر دانسته‌اند:

جنونی کو که از قید خرد بیرون کشم پا را کنم زنجیر پای خویشان دامن صحرا را
(غنی کشمیری، ۱۳۶۲: ۲۱)

آن جنون کجا است؟ آن جنون چیست؟ که به من توانایی و قدرت می دهد که من از گرگ های عقل پای
خود را آزاد کنم.

من باز از گرگ های عقل پاهای خود را آزاد کنم و دامن صحرا را زنجیر خود بسازم.

در این شعر سه نقش وجود دارد، جنون، خرد و قید خرد، و زنجیر شدن به دامن صحرا.

جنون درک مهلک غیب و تجلی مهلک غیب است و نتیجه آن زلزله اولین بار است که من طاقت
ندارم و وجودم طاقت تحمل من را ندارد. آن وسواس قدرتی است که مرا دوباره منتقل نمی کند، بلکه
همه حالات مرا اعم از احساسی، ذهنی و وجودی را کم می کند، اگر آن را هدف قرار دهید، موقعیت یا
تصوری که در نتیجه ایجاد می شود، وسواس است.

خرد یعنی آن که بر من مسلط شد و مرا اسیر و برده خود قرار داد و مرا از سرگردانی در وجود بیابانی
باز داشت که در هستی بیابانی بگردم، پس او خرد است، آنگاه وجود من راه حل کامل خود را خواهد
یافت، یعنی پس از رهایی از این ظاهر. به شرطی که بتوانم خود را تبرئه کنم یا در کمال آن مقید شوم،
در بیابانی که عقل مانع از ورودم شده است، آن جنون خواهد آمد و نه تنها به من فرصت می دهد که در
این بیابان سیاه و متحرک شوم، اما تمام این بیابان را به زنجیری برای پای من تبدیل خواهد کرد. غنی
می گوید زنجیر در پا لازم است، اما این زنجیر در مسیر قرار نمی گیرد، بلکه این زنجیر نام آن است که
پس از رسیدن به مقصد، خود مقصد را گرگ پای خود کند. پس همه چیزها به معنای خود، همه
اقتضانات که غنی با ساختن تصویر در این شعر به ما منتقل کرده است.

اگر شهرت هوس داری، اسیر دام عزلت شو که در پرواز دارد گوشه گیری نام عنقا را

(کرمی، ۱۳۶۲: ۲۲)

اگر میل به شهرت داری، این آرزو را به گونه‌ای شریف برآورده کن، مانند گداجویان شهرت مباش، بلکه باید کرامت و شک و معنا نیز در آن باشد. اگر شهرت می‌خواهی خودت را اسیر تله عزلت و خلوت کن. زیرا اکنون در مصراع دوم، غنی پاسخ می‌دهد که قابل رد نیست. که پنهان شدن عنقا از چشم همگان، نام او را در گریز نگه می‌دارد، نامش را مدام در اعتلای و محبوبیت نگه می‌دارد، بیش از شهرت عنقایش که آبروی آن نیست، نمی‌گذارد نامحسوب شود. عقاب که قابل مشاهده است، یعنی نه تنها کسی است که دیده نمی‌شود، بلکه قابل مشاهده نیست و وجود ندارد. نیستی او انزوای شیعه اوست، پس با نیستی خود چنان رابطه درستی ایجاد کرده است که اکنون که نامش را دارد دعوت را فراموش نمی‌کند. پس گویی آن ذهن و شعور و فایده را نشان داد، یعنی در همه این اندیشه‌ها، هر چه تصور کنیم، نقش نیستی کمتر از هستی نیست. (احمدی، ۲۰۲۲: ۱۱۱)

۳. جایگاه صورخیال در سروده‌های غنی کشمیری

به منظور آشنایی با اشعار این شاعر بزرگ، در ادامه، با بررسی اجمالی سبک هندی، به خصایص و وجوه مشترک این شیوه در شعر غنی، اشاره می‌شود:

الف) ویژگی‌های زبانی

۱. به کارگیری واژگان، تعبیرات و مصطلحات عامه

بسامد بالای عناصر محاوره‌ای و حضور اصطلاحات روزمره در شعر، یکی از ویژگی‌های سبک هندی است؛ مخصوصاً تصویرسازی و مضمون‌پردازی با اشیاء و لوازمی خاص از قبیل عینک، ساعت، مسواک و... که بعضاً سوغات فرنگیان بوده و در آن دوره برای ایرانیان و هندیان، تازگی داشته در شعر شاعران عموماً و در شعر غنی خصوصاً، از بسامد بالایی برخوردار است:

در پیری انتخاب کتب نیست بابا چشم	عینک بود کنون ورق انتخاب من
اعتبار پست فطرت یک دو ساعت بیش نیست	گردد آخر ته نشین دردی که شد بالانشین
بود کلید در رزق پارسا مسواک	کجا ز دست دهد همچو آسیا مسواک

۲. آوردن ترکیبات غریب و نامأنوس

یکی از ترکیبات غریب و نامأنوس از دوره‌های قبل از عصر صفوی که قراین و شواهدی برای آن ذکر نشده است، ترکیب «به رنگ» است که در جایگاه ادات تشبیه به معنی «مانند»، به کرات به کار می‌رود. این ادات خاص تشبیه، بیانگر تشابه شکل، حرکت، اندازه و هر نوع شباهتی دیگر، غیر از یکسانی و مقایسه دو چیز به اعتبار رنگ است. استعمال این ادات تشبیه، در شعر غنی نمود چشمگیری دارد:

تا غنی کرد اجتناب از می پرستان بیخودی	گشت عقل ما به رنگ نشئه پنهان در شراب
گل به رنگ شعله خس از چمن پراز کرد	گرم تا در آشیان گردید جای عندلیب
همچنین دیوان غنی سرشار است از ترکیبات وصفی و اضافی خاص از قبیل رشته گل دسته، پنبه	
مینا، شعله آواز و... که موجبات تصویرآفرینی و ایجاز را در شعر او فراهم می‌نماید و از دیگر سو بیانگر	
قدرت و استعداد وافر او در ترکیب‌سازی است:	

محتاج دانه نیست پی صید بلبلان	صیاد ما ز دسته گل دسته دام کرد
آتش می تیز سازد شعله آواز را	بر کدوی بادیه باید بست تار ساز را
پنبه مینای می را مرهم کافور گیر	مهره مار آرزو داری ز تاک انگور گیر

ب) ویژگی‌های فکری

۱. اظهار شکست و نامرادی و یأس

شعر قریب به اتفاق شاعران سبک هندی مملو از یأس و نومیدی است و از این نظر شباهت زیادی به شعر رمانتیک‌های اروپا دارد. شعر رمانتیک‌ها نیز پر از یأس، شکست، ناکامی و رنج بوده و علت این شباهت، شباهت زندگی این دو گروه از شاعران جهان است. گرچه برای اظهار نامرادی و یأس در تمام دیوان‌های شعری نمونه‌ای می‌توان یافت، اما این اظهار یأس و ناامیدی در دیوان شاعران سبک هندی، یک ویژگی سبکی به شمار می‌رود که بسامد بالایی دارد و دیوان غنی کشمیری نیز از این معنی قابل توجه است:

۲. در بیان فقر و نداری

بر روی زمین هیچ کس آسوده نباشد
مرا چون آسیا خوش دستگاہی در تهیدستیست
گنجی بود آرام که در زیر زمین است
که روزی آورد خانه من میهمان از خود
۳. در بیان شکوه از بخت

بود در جنبش گهواره راحت طفل بدخود را
پی چشم مست او به شکر خواب رفته است
فلک در گردش از بهر خواب بخت‌ناسازم
بخت سیاه ماست که در خواب رفته است
۴. گله از سختی زندگی

در شب زلف تو خواب خوش نصیم کی شود
خار میرید ز پهلویم بسان شانه‌ها
آسایی که دل ز پس مرگ دیده است
در زندگی کسی به خواب نیند کسی غنی

۵. توجه به معنی و مضمون و ساده گیری در زبان

شعر هندی شعری معناگراست، نه صورت‌گرا. شاعران به معنی بیشتر توجه دارند تا به زبان. کار شاعران سبک هندی ترجمه مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی بود که نهایتاً آن را علی‌رغم صورت مبهمش ساده فهم‌تر و خلاصه‌تر می‌کرد؛ یعنی متناسب درک و فهم طبقات عامه مردم؛ کوشش شاعر سبک هندی، مضمون‌یابی و ارائه خیال خاص در معنی برجسته است؛ یعنی فکر جزئی اما تازه و نگفته و بیان آن به صورتی اعجاب‌انگیز.

مانند این اشعار غنی:

کسی آواره تا کی در دیار خویشتن باشد
گل کرد استخوان به تن از چشم داغ‌ها
چو ریگ شیشهٔ ساعت مسافر در وطن باشد
مانم به کاغذی که ز نقش نگین پر است
۶. استخوان خوردن هما

بهر صید همای ناوک او
پنبه در گوش کردن
جوهر استخوان من دام است

حرف دنیا گوش کردن کار اهل هوش نیست
۸. شکرآب شدن میان دو تن
مغز سر فرزانه را چون پنبه های گوش نیست

کند شکرآب ز شرم سخن شیرینم
۹. اصل گوهر از آب بودن
گر میان من و طوطی شکرآب است بجاست

آب بود معنی روشنی غنی
۱۰. روشن شدن آینه با خاکستر
خوب اگر بسته شود گوهر است

نفس من شده از سوختگی خاکستر
گر شود آینه روشن ز دم من چه عجب

ج) ویژگی‌های ادبی

۱. مضمون‌سازی و توجه به مضامین غریب و جستجوی معانی بیگانه (از طریق تشخیص، حس‌آمیزی، متناقض‌نمایی و...)

مضمون‌آفرینی و به جستجوی مضامین بکر و ناگفته و ناشناخته رفتن، در شعر غنی چنان رواج می‌یابد که گاه کار به ابتذال می‌کشد:

تار نگهم رشته گوهر شده از اشک این دیده تمنای بناگوش ندارد
رهد کی در حصار خود ز دزدان معنی روشن کجا مهر کلف محفوظ دارد زخم مه را
۲. در شعر غنی، گاه مضامین نابی مشاهده می‌شود که به نظر می‌رسد از ابداعات خود غنی بوده است:

بس که همچون آسیا مینالم از بیداد خویش میکشم در گوش خود انگشت از فریاد خویش
گمان پیش‌دوا برویش به دعوی رفت و از خجلت تهی کرد آن چنان قالب که آورند بر دوشش
۳. آوردن تشبیهات، استعارات و کنایات دور از ذهن

صور خیال شعر غنی متأثر از سبک هندی است؛ به عبارتی تشبیه، استعاره، تشخیص و اغراق و کنایه در شمار مهم‌ترین عناصر خیال‌ساز شعر هندی است. کلماتی چون حباب، شبنم، ریگ روان، آینه، سپند، آبله و...، از مشبه‌به‌های رایج سبک هندی هستند که در شعر غنی به‌وفور دیده می‌شود:

ز شوق گوشه دستار او از بس که بی تاب است پرد مانند شبنم هر نفس چشم هوس گل را
به رنگ آبله پای در سفر ما را ز شوق صبح وطن چشم تر سفید شده است
سرانجام، می‌توان چنین گفت که اشعار غنی، سراسر به مضامین بدیع و خیال‌انگیز مشحون است و همین مضمون‌پردازی‌های ماهرانه اوست که وی را در شمار بزرگ‌ترین گویندگان سبک هندی قلمداد کرده است:

چرا خم گشته می‌گدند پیران جهان‌دیده مگر در خاک می‌جویند ایام جوانی را
بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابلهی است پای بوس سیل، از پا افکند دیوار را

۴. نتیجه گیری

ملا محمد طاهر کشمیری متخلص به غنی کشمیری، بزرگ‌ترین سخن‌سرایان و پارسی‌زبان سرزمین پهن‌اور هندوستان در قرن یازدهم هجری است. وی از شاعرانی است که به سبک هندی سخن رانده و با اینکه هم روزگار گویندگانی چون صائب تبریزی و کلیم کاشانی، دو تن از نام‌آوران این سبک بوده، خود در این شیوه، مقامی شایسته یافته است.

هدف از نگارش این پژوهش تحلیل و بررسی سبک این شاعر و بررسی صور خیال و بدایع شعری در دیوان وی است. یافته های پژوهش نشان داد: همچنین دیوان غنی سرشار است از ترکیبات وصفی و اضافی خاص از قبیل رشته گل دسته، پنبه مینا، شعله آواز و... که موجبات تصویرآفرینی و ایجاز را در شعر او فراهم می‌نماید و از دیگر سو بیانگر قدرت و استعداد وافر او در ترکیب‌سازی است. یکی از ترکیبات غریب و نامأنوس از دوره‌های قبل از عصر صفوی که قراین و شواهدی برای آن ذکر نشده است، ترکیب «به رنگ» است که در جایگاه ادات تشبیه به معنی «مانند»، به کرات به کار می‌رود. این ادات خاص تشبیه، بیانگر تشابه شکل، حرکت، اندازه و هر نوع شباهتی دیگر، غیر از یکسانی و مقایسه دو چیز به اعتبار رنگ است. استعمال این ادات تشبیه، در شعر غنی نمود چشمگیری دارد. ویژگی‌های فکری در دیوان وی شامل موارد بسیاری است که مهمترین آنها عبارتند از: اظهار شکست و نامرادی، بیان فقر و نداری، شکوه از بخت، گله از سختی زندگی، توجه به مضمون ساده گیری در زندگی و... .

ویژگی‌های ادبی در سروده‌های وی عبارتند از: مضمون‌سازی و توجه به مضامین غریب و جستجوی معانی بیگانه، مضمون‌آفرینی و به جستجوی مضامین بکر و ناگفته و ناشناخته رفتن، در شعر غنی چنان رواج می‌یابد که گاه کار به ابتذال می‌کشد. ابداع مضامین ناب و بکر، آوردن تشبیهات، استعارات و کنایات دور از ذهن.

منابع

۱. احمدی، جواد (۲۰۲۲)، تحلیلی بر دیوان غنی کشمیری، پاکستان: ابن عرب سوسائٹی.
۲. حمیدیان، سعید (۱۳۴۷)، مهاجرات شعرا به هند در عصر صفویه، نشریه وحید، شماره ۵۶.
۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۰)، صور خیال در اشعار فارسی، ایران: آگاه.
۴. عبدالحمید، ح (۱۹۴۹)، الاصول الفنیته للادب، مصر.
۵. غنی کشمیری، محمدطاهر (۱۳۶۲)، دیوان، به کوشش احمد کرمی، ایران: ما.
۶. نظمی تبریزی، علی (۱۹۷۶)، دویست سخنور؛ تذکره الشعراي منظوم و منثور. چاپ دوم. تهران: تابش.
۷. وفايي، عباسعلي (۱۳۹۳)، «غنی کشمیری و سبک هندی»، مجله سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۲۵، صص ۱۶۱-۱۷۶.